



● محمدهادی نیکخواه آزاد

اکیانوس ابری

● تصویرگر: کیانا میرزایی

دو سال پیش بابا می‌خواست برای بازدید از یک کارخانه به استان مازندران برود. من هم همراه بابا رفتم. وسط راه بودیم که راه‌بندان شد. داشتند قسمتی از جاده را تعمیر می‌کردند. مأموران از ما عذرخواهی کردند و گفتند در حدود دو ساعت راه‌بندان طول می‌کشد. کنار جاده، یک تابلو بود که روی آن نوشته بود «چلاو». بابا پیشنهاد کرد به چلاو برویم.

جاده‌ی قشنگی بود. در انتهای جاده، به روستای فیلبند رسیدیم. وقتی از ماشین پیاده شدیم، منظره‌ی جالبی دیدیم. ما بالاتر از ابرها بودیم. انگار زیر پایمان اقیانوسی از ابر موج می‌زد.



بابا برای من چای ریخت. پرسیدم: «ابرها چگونه درست می‌شوند.»
بابا گفت: «الآن با این آب جوش و چند تاییخ برایت ابر درست می‌کنم.»



* فیلم انجام این آزمایش را می‌توانی در واقعیت افزوده تماشا کنی.

